



دانشگاه تربیت معلم تهران
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه دین و فلسفه
پایان نامه کارشناسی ارشد
فلسفه و حکمت

موضوع:

بررسی تطبیقی علم و کاشفیت (واقع
نمایی) آن از دیدگاه
ابن سینا و ملاصدرا

استاد راهنما:

دکتر مرتضی میرباقری

استاد مشاور:

دکتر بهجت واحدی

نگارش:

رضا صفری کندسری

شهریور 1388

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به پدر و مادرم

تقدیر و سپاسگزاری:

از استاد ارجمند و فرزانه جناب آقای دکتر میرباقری استاد راهنمای این پایان نامه که با ارشادات ارزنده و راهگشای خویش یاریگر نگارنده در رفع مشکلات بوده است کمال تشکر و امتنان را دارم و نیز استاد مشاور سرکار خانم دکتر واحدی که نظرات ارزشمند و مشکل گشایی ارائه فرمودند سپاسگزاری و نیز از تمامی کسانی که به نوعی در انجام این کار نقش داشته اند تشکر می کنم.

فهرست مطالب

صفحه

1

عناوین

چکیده

2	مقدمه
3	بیان مسأله
7	پرسش های تحقیق
7	پیشینه تحقیق
8	فرضیه های تحقیق
8	اهداف تحقیق
8	کاربردهای تحقیق
8	ضرورت تحقیق
9	روش انجام تحقیق
10	کلیات

بخش اول (ابن سینا)

فصل اول

20	چیستی و هستی علم و ادراک
21	چیستی علم
25	هستی و وجود علم

فصل دوم

33	مراحل و مراتب و کیفیت ادراک
33	مراحل علم در شفاء

35	مراحل علم در اشارات
41	مجرد یا جسمانی بودن علم و ادراک
41	دلایل جسمانیت خیال
44	دلایل تجرد نفس ناطقه
46	عقل فعال
49	اثبات عقل فعال
51	وجوه تعقل
52	اقسام تصورات
52	اقسام تصدیقات
52	تقسیم قضیه به اعتبار موضوع
55	تقسیم قضایا به کان تامه و کان ناقصه
56	تقسیم قضیه به اعتبار مواد
	فصل سوم
59	ارزش ادراکات
60	ارزش ادراک در تصورات
66	ارزش ادراک در تصدیقات

بخش دوم
(ملاصدرا)

فصل اول

71 چیستی و هستی علم و ادراک

72 چیستی علم و ادراک

76 هستی علم و ادراک

79 تجرد علم

79 تجرد صور عقلی

80 تجرد صورت خیالی

82 اثبات تجرد صورت حسی

فصل دوم

84 مراحل و مراتب علم و ادراک

85 احساس

85 تخیل

89 توهم

89 ادراک عقلی

92 براهین اثبات عقل فعال

93 اتحاد نفس با عقل فعال

93 اقسام اتحاد

99 کیفیت ارتباط و اتحاد با عقل فعال

101 تقسیم علم به بالقوه و بالفعل و اجمالی

102	نقد ملاصدرا بر علم اجمالی ابن سینا
103	تقسیم علم حصولی به تصور و تصدیق
104	تقسیم علم حصولی به حقیقی و اعتباری
108	اقسام تصورات
108	اقسام قضایا
108	اقسام قضایا به اعتبار وجود موضوع
110	اقسام قضایا به اعتبار حکم
112	تقسیم قضایا به اعتبار هلیت بسیط و مرکب
	فصل سوم
114	ارزش ادراکات
115	ارزش ادراکات در تصورات
119	ارزش ادراکات تصدیقی
119	ارزش ادراکات تصدیقی (مناطق صدق و کذب قضایا)
121	ارزش ادراکات تصدیقی به اعتبار مواد
	بخش سوم
	(تطبیق و نتیجه گیری)
125	چیستی و هستی علم و ادراک
127	مقایسه نظر ابن سینا و ملاصدرا در ادراک حسی
130	مقایسه نظر ابن سینا و ملاصدرا در ادراک خیالی

131	مقایسه نظر ابن سینا و ملاصدرا در ادراک وهمی
131	مقایسه نظر ابن سینا و ملاصدرا در ادراک عقلی
132	مقایسه نظر ابن سینا و ملاصدرا در اثبات عقل فعال
133	مقایسه نظر ابن سینا و ملاصدرا در عقل بسیط
134	مقایسه نظر ابن سینا و ملاصدرا در علم حضوری و حصولی
136	مقایسه نظر ابن سینا و ملاصدرا در اقسام قضایا
136	مقایسه نظر ابن سینا و ملاصدرا در ارزش ادراکات
138	فهرست منابع
142	چکیده انگلیسی

چکیده:

مبحث علم یکی از دشوارترین مباحث فلسفی است که در آن علم از دو وجه مورد توجه فیلسوفان قرار می‌گیرد؛ یکی وجود‌شناسی علم و دیگری معرفت‌شناسی علم. در وجود‌شناسی علم از اصل هستی علم، مراحل و مراتب علم، نحوه وجود آن و این که این واقعه چگونه رخ می‌دهد؟ بحث می‌شود. در معرفت‌شناسی علم از رابطه علم با معلوم و کاشفیت و میزان واقع‌نمایی آن بحث می‌شود. این دو مبحث در فلسفه اسلامی از یکدیگر متمایز نیست، اما در این رساله سعی شده تا مباحث مرتبط با وجود‌شناسی علم از مباحث معرفت‌شناسی آن از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا جدا و مورد بررسی قرار گیرد و در پایان نظرات این دو با یکدیگر مقایسه شده است.

واژگان کلیدی: علم، وجود‌شناسی علم، معرفت‌شناسی علم، ارزش‌شناخت، کاشفیت.

مقدمه

مقدمه

بیان مسأله:

معرفت شناسی به عنوان شاخه ای مستقل در دو سه قرن اخیر یکی از مباحث اصلی در فلسفه غرب می باشد و برخی فلاسفه غرب تا آنجا برای این مبحث اهمیت قائل شده اند و گفته اند، فلسفه، شناخت شناسی است نه هستی شناسی. معرفت شناسی در فلسفه و منطق اسلامی به طور مستقل مطرح نشده است ولی بسیاری از مسائل آن در مباحث مختلف فلسفه اسلامی مورد بحث قرار گرفته است از جمله در مقولات، در مفاهیم کلی و جزئی در منطق، در نفس و تجرد آن، در علم (عقل و عاقل و معقول)، در تقسیم قضایا به اعتبار وجود موضوع (مناطق صدق و کذب قضایا)، در تقسیم قضایا به اعتبار مواد (در صناعت خمس).

در باب علم و معرفت (منظور علم انسانی است نه علم الهی) دو مسأله داریم: یکی هستی شناسی علم است که در آن اثبات وجود علم، مراحل و مراتب علم، نحوه وجود آن و این که این واقعه چگونه رخ می دهد؟ و مسأله دیگر معرفت شناسی علم است که در آن رابطه علم با معلوم و کاشفیت و میزان واقع نمایی آن و معیار تشخیص درستی و نادرستی آن بحث می شود. (جوادی آملی: 1386 (ب)، صص 23-24) این دو مبحث در فلسفه اسلامی از یکدیگر متمایز نیست، در این رساله کوشش شده تا مباحث مربوط با وجود شناسی علم از مباحث معرفت شناسی آن، از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا تفکیک و مورد بررسی قرار گیرد.

معرفت یکی از دشوارترین مباحث فلسفی است و ملاصدرا درباره اش می گوید:

اینکه «نفس صور اشیاء معقوله را تعقل می کند، از غامض ترین مسائل حکمی است که برای هیچ کدام از علماء اسلامی تا روزگار ما روشن نشده است و ما چون سختی این مسأله را دیدیم و در اشکال علم به جوهر، جوهر و عرض است تأمل کردیم و در کتاب های قوم به ویژه کتابهای

رئیسشان ابن سینا مانند شفاء و نجات و اشارات چیزی نیافتیم که علیل را شفا دهد و تشنه را سیراب کند بلکه یافتیم که او و هر که در طبقه او و امثال و اتباع او مانند شاگردش بهمنیار و سهروردی و خواجه طوسی و غیر از اینها از متأخرین، بعد از او چیزی را که به آن بتوان اعتماد کرد نیاورده اند، و هرگاه حال این صاحبان اعتبار از فضلاء چنین است، پس حال آنان که صاحب اوهام و خیالات و یاران و سوسه و سخن های جدلی اند چگونه است؟

از این رو به مسبب اسباب توجه ذاتی کردم و تضرع غریزی به آسان کننده کارهای سخت در باز شدن این در کردم» (ملاصدرا: 1428، ج 3، صص 247-248)

در این پایان نامه در ابتدا از وجودشناسی علم و سپس از معرفت شناسی علم بحث می شود. ابن سینا علم را به گرفتن صورت شیء از مدرک تعریف می کند، اگر مدرک شیء مادی باشد همین که مدرک، مدرک را تجرید از ماده کرد ادراک حاصل می شود ولی ملاصدرا علم را حضور و حصول چیزی در نزد چیزی دیگر تعریف می کند، هم ابن سینا و هم ملاصدرا علم را بواسطه اصل عدم تناقض اثبات می کنند هر چند برهان ملاصدرا تنبهی است. ابن سینا در کتاب اشارات مراحل ادراک را سه قسم می داند ولی در سایر کتب خویش چهار قسم می داند. ابن سینا مراحل ادراک را بر اساس تجرید بنا می کند و هر اندازه تجرید بیشتر باشد ادراک هم کامل تر است، ادراک حسی و خیالی را کاملاً مجرد از ماده نمی داند و ادراک عقلی را مجرد، در ادراک حسی و خیالی نحوه ای از تجرید است و در ادراک عقلی تجرید کامل است، نفس در ادراک حسی و خیالی با عالم طبیعت تماس دارد چون ادراک حسی و خیالی را مادی می داند ولی در ادراک عقلی نفس به عقل فعال به اندازه استعداد خود متصل می شود. اما ملاصدرا ادراک را به طور کلی سه قسم می داند و وهم را جزء مراحل ادراک نمی داند بلکه آن را عقل ساقط می داند از نظر ملاصدرا عوالم ادراکی سه تا هستند و عوالم وجودی هم سه تا هستند. ملاصدرا در

ادراک حسی و خیالی معتقد است که نفس این صور را ابداع و انشاء می کند و سفری را از عالم طبیعت به عالم خیال دارد و ادراک عقلی سه مرحله است، در ابتدا مثل را مشاهده می کند سپس با عقل فعال متحد می شود و در آخر می تواند صور عقلی را ابداع کند چون صور عقلی برای نفس ملکه شده اند و می تواند هرگاه بخواهد آنها را ابداع کند، از نظر ابن سینا صور حسی و خیالی و عقلی قیام حلولی در نفس دارند یعنی در صور حسی و خیالی از عالم طبیعت منفعل می شود و در صور عقلی از عقل فعال ولی تمام صور از نظر ملاصدرا قیام صدور به نفس دارند و نفس صادرکننده و ابداع کننده آنها است صور حسی و خیالی و عقلی در فلسفه ابن سینا حال در نفس هستند و نفس نمی تواند با صور ادراکی متحد شود چون ابن سینا نفس را روحانیه الحدوث (در مرتبه ذات) و روحانیه البقاء می داند. و نفس در مراحل ادراک ثابت است و این صور هستند که از عالم طبیعت تا ادراک عقلی تجرید می شوند ولی در فلسفه ملاصدرا چون نفس جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء است با حرکت جوهری خود با صور ادراکی یکی می شود و صور جزء ذات نفس می شوند و با آن اتحاد پیدا می کنند.

این بود بیان این دو فیلسوف در تصورات، این دو در حوزه تصدیقات از نظر وجود موضوع و از نظر حکم نیز بحث کرده اند، تصدیق از نظر وجود موضوع به خارجی و ذهنی و حقیقی تقسیم می شود و از نظر مواد را در مباحث صناعات خمس در منطق مورد بحث قرار داده اند. آن جا که مواد قیاس را به یقینی (6 قسم) و غیر یقینی (مظنونات، وهمیات، متخیلات و مشهورات) تقسیم کرده اند. بحثی که تا به این جا داشتیم در هستی شناسی علم بود، معرفت شناسی علم هم داریم که در آن بحث از نحوه مطابقت ادراک با عالم واقع می شود به عبارتی کاشفیت علم مطرح است باید بگوییم که کاشفیت علم و ارزش شناخت در حوزه علم حصولی است نه در علم حضوری زیرا در

علم حضوری صورت گیری معنا ندارد و در آن علم و عالم و معلوم واحد هستند و اتحادی صورت نمی گیرد و اگر اتحاد بگوئیم به اعتبار است.

ابن سینا در حوزه تصورات چون صور حسی و خیالی را مادی می داند و عالم طبیعت نیز مادی است کاشفیت علم را به تماس اندام حسی با عالم خارج می داند و باید اثری از معلوم در ذهنی بیاید و تا زمانی که اثر موجود است علم حاصل است و در ادراک خیالی صور حسی در نزد خیال بایگانی می شوند ولی چون صور عقلی را مجرد می داند پای عقل فعال را به میان می کشد که امری مجرد است و با صور عقلی مطابقت دارد و هرگاه صور حسی و خیالی به طور کامل مجرد شدند، لب و حقیقت صور عقلی از عقل فعال افاضه می شود.

پس ابن سینا دیدگاه ثنوی دارد یعنی عالم طبیعت و عالم عقل را قبول دارد و صور حسی و خیالی را به عالم طبیعت ربط می دهد و صور عقلی را به عقل فعال. ولی در فلسفه ملاصدرا چون علم مطلقاً مجرد است به طور کلی پای عقل فعال را به میان می آورد که امری مجرد است و معتقد است که نفس در ابتدا صور حسی و خیالی را از عقل فعال قبول می کند و هرگاه برایش ملکه شد می تواند مصدر صور عقلی باشد از طرفی عالم طبیعت نیز معلول و رقیقه عقل فعال است و صور حسی نیز معلول و رقیقه عقل فعال است و دو معلول و دو رقیقه و یک حقیقت و یک علت (عقل فعال) داریم پس ملاصدرا دیدگاه وحدانی دارد و محور کاشفیت در فلسفه ملاصدرا عقل فعال است.

این دو فیلسوف به ارزش کاشفیت در حوزه تصدیقات از نظر وجود موضوع (مناطق صدق و کذب قضایا) نپرداخته اند ولی ارزش کاشفیت در حوزه تصدیقات از نظر مواد را در مباحث صناعات خمس پرداخته اند و هر دو در ابتدا مواد قیاس را به یقینی و غیریقینی تقسیم کرده اند. یقینات شش قسم می باشند که عبارتند از اولیات، مشاهدات، مجربات، حدسیات، متواترات و فطریات، درجه یقینی بودن اولیات و فطریات را از بقیه موارد بیشتر می دانند چون در اولیات فقط تصور درست از

طرفین قضیه (موضوع و محمول) برای حکم کافی است و در فطریات نیز هنگام تصور موضوع و محمول، حد وسط همراه آن دو حاصل می شوند. و در بقیه موارد علاوه بر تصور موضوع و محمول به مشاهده و تکرار مشاهده و قیاس خفی نیازمند هستیم ولی مواردی که غیر یقینی باشند مطابقت با واقع ندارند.

پرسش‌های تحقیق:

- 1- مراحل و مراتب ادراک و ارتباط آنها در فلسفه ابن سینا و ملاصدرا.
- 2- نحوه ایجاد شدن صور حسی و خیالی و عقلی در فلسفه ابن سینا و ملاصدرا.
- 3- کاشفیت ادراکات حسی و خیالی و عقلی.
- 4- آیا این دو فیلسوف به ارزش ادراکات تصدیقی (از نظر وجود موضوع) یعنی مناظ صدق و کذب قضایا پرداخته‌اند.
- 5- آیا این دو فیلسوف به ارزش ادراکات تصدیقی (از نظر مواد) پرداخته‌اند.

پیشینه تحقیق

با توجه به تحقیقات محقق بیشتر کتابها و پایان‌نامه‌هایی که در باب علم تألیف شده است در هستی‌شناسی علم می باشند و در معرفت‌شناسی علم در فلسفه این دو فیلسوف پایان‌نامه‌ای یافت نشده و فقط کتابی با عنوان «ادراک حسی از دیدگاه ابن سینا» تألیف محمد تقی فعالی، انتشارات مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی سال 1376 که صفحاتی در باب ارزش شناخت و کاشفیت بحث کرده است و کتاب «معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی» تألیف حسن معلمی، که در سال 1378 توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی چاپ شده است، البته در این کتاب بیشتر به نقد و بررسی ارزش شناخت از دیدگاه علامه طباطبایی، استاد مطهری و استاد مصباح پرداخته شده است. قابل ذکر است که در کتب نام برده شده بحثی از ارزش ادراکات تصدیقی نکرده‌اند.

فرضیه‌های تحقیق:

ابن سینا در این باب کوشش‌های فراوانی کرده است ولی نسبت به کار ملاصدرا، یک سری نواقصی دارد که ملاصدرا این نواقص را برطرف و آن را به کمال می‌رساند و نسبت به کار ابن سینا کامل تر است. فرضیه دیگر این است که کاشفیت علم با نظریه ملاصدرا قابل توجه تر است.

اهداف تحقیق:

بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو فیلسوف در تبیین علم و کاشفیت آن .

کاربردهای تحقیق:

با توجه به نقش ممتاز و کلیدی جایگاه علم و معرفت‌شناسی، به هر میزانی که تلقی صحیح‌تری از علم داشته باشیم از جهان بینی صحیح‌تری برخوردار خواهیم شد. لذا یکی از کاربردهای جدی این تحقیق تصحیح تلقی محقق و سایر مطالعه‌کنندگان این تحقیق خواهد بود. همان طوری که می‌دانیم ملاصدرا انسان را نوع اخیر ندانسته و وی را نوع متوسط می‌داند و علم و عمل را از جمله مقومات و فصل‌اخیر انسان برای تبدیل نوع متوسط به نوع اخیر می‌شمارد، لذا بحث درباره اساسی‌ترین بعد وجودی انسان در حکمت متعالیه نیز می‌باشد، بر همین اساس کسانی که علاقمند به آشنایی با نظریه ملاصدرا را در زمینه حقیقت انسان در دنیا و برزخ و قیامت می‌باشند می‌توانند به این تحقیق مراجعه نمایند.

ضرورت تحقیق:

با توجه به اینکه معرفت‌شناسی یکی از مسایل فلسفه معاصر است و در فلسفه اسلامی در این مورد کمتر بحث شده و اگر شده، خیلی پراکنده است لذا طرح آن با مقایسه نظر این دو فیلسوف بزرگ اسلامی ضرورت می‌یابد.

روش های انجام تحقیق

استفاده از کتابخانه ها، فیش برداری ، تنظیم مطالب و تدوین آنها، مراجعه به متون اصلی این دو

فیلسوف و در مواردی از آثار شارحین استفاده شده است.

کلیات:

در این بخش بعد از تعریف ادراک ، علم و معرفت به اقسام علم حضوری و حصولی خواهیم پرداخت و سپس موارد علم حضوری را از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا را بیان خواهیم کرد.

علم در لغت به معنای دانستن و ادراک کردن است و ادراک یعنی قوه عاقله نفس به ماهیت معقول واصل شود و به آن دست رسی پیدا کند و در این جا ادراک یعنی وصول و لقاء (ملاصدرا: 1428، ج 3، ص 396)

برخی گفته اند معرفت ادراک جزئیات است و علم ، ادراک کلیات و برخی گفته اند معرفت تصور است و علم تصدیق و برخی هم گفته اند معرفت آن است که کسی چیزی را ادراک کند و اثر آن در نفس حفظ شود و هر گاه برای بار دوم آن را ادراک کرد و فهمید که این همان چیزی است که برای اولین بار ادراک کرده بود این معرفت می شود (همان ، ص 400)

الف - تعریف و تقسیم علم و موارد علم حضوری از دیدگاه ابن سینا: ابن سینا تعاریف مختلفی از علم دارد که در بخش ابن سینا بدانها می پردازیم در این جا مواردی از آنها ذکر می شود مانند حصول صورت مدرک نزد مدرک یا علم حصول صور معلومات در نفس است یا هر ادراکی گرفتن صورت مدرک است.

در تاریخ فلسفه اسلامی اولین فیلسوفی را که علم حضوری را مطرح کرده است سهروردی می دانند ، اما ابن سینا قبل از سهروردی علم حضوری را مطرح کرده است و می گوید:

«اشیاء مدرک بر دو قسم هستند ، اول اشیائی که خارج از ذات مدرک نیستند و دوم اشیائی که خارج از ذات مدرک هستند ، قسم اول علم حضوری و قسم دوم علم حصولی است.» (ابن سینا:

1383، ص 401)

ابن سینا برای اثبات این که انسان علم حضوری به خود دارد، چهار صورت را مطرح می کند: